

بررسی کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاهی مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه‌های تهران و کردستان

لیلا فلاحتی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۴/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۹/۱۷

چکیده

هدف اصلی این مطالعه بررسی کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاهی است. بر این اساس در این مطالعه از مدل توسعه یافته سیرجی و همکاران (۲۰۱۰) استفاده شده است. روش پژوهش همبستگی بوده و بدین منظور تعداد ۴۰۰ دانشجوی دختر و پسر در حال تحصیل در دانشگاه تهران، دانشگاه علامه و دانشگاه کردستان به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. کیفیت زندگی دانشجویان با استفاده از مقیاس طراحی شده سیرجی و همکاران (۲۰۱۰) در سه بعد رضایت از بعد آموزشی، بعد اجتماعی و تسهیلات و امکانات دانشگاه مورد بررسی قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از ضریب همبستگی پیرسون و از حیطة معادلات ساختاری آ در سطح معناداری $P < 0/05$ استفاده گردید. نتایج حاصل از مطالعه بیانگر تأثیر میزان رضایت از تسهیلات و امکانات دانشگاه در رضایت از بعد آموزشی و بعد اجتماعی زندگی دانشجویان است. هم چنین نتایج نشان داد رضایت از کیفیت زندگی دانشجویان تأثیر معناداری در رضایت از کیفیت زندگی کلی دانشجویان دارد. مقایسه دانشگاه‌ها نشان داد که رضایت دانشجویان دانشگاه‌های تهران در دو بعد آموزشی و رضایت از تسهیلات و امکانات از دانشجویان دانشگاه کردستان بیشتر است. نتایج مطالعه بیانگر این است که نظام آموزش عالی باید توجه بیشتری به وضعیت دانشگاه‌های مستقر در استان‌های دیگر داشته باشد. کمبود امکانات و تسهیلات منجر به کاهش کیفیت آموزش، کیفیت زندگی اجتماعی و در نتیجه کاهش کیفیت زندگی دانشجویان می‌شود. پایین بودن رضایت از زندگی دانشگاهی در بین دانشجویان به معنای پایین بودن سطح رضایت از زندگی کلی است که اثرات آن می‌تواند بصورت افسردگی، ناامیدی و اضطراب در بین دانشجویان دیده شود.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی دانشجویان، کیفیت کلی زندگی، رضایت از بعد آموزشی، رضایت از بعد اجتماعی، رضایت از تسهیلات و امکانات دانشگاه

مقدمه

آموزش عالی به عنوان یک نهاد اجتماعی وظیفه تربیت افرادی صاحب اندیشه، مطلع و با توانمندی‌های متناسب با نیازهای کشور را بر عهده دارد. بر این اساس دانشگاه‌ها همواره در حال بروزرسانی امکانات و دانش خود در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فن‌آوری و آموزشی به منظور ارتقاء سطح دانش آموختگان خود هستند. رقابت مؤسسات مختلف آموزشی در سطح ملی و بین‌المللی در زمینه ارتقاء سطح علمی و کیفی و فراهم آوردن امکانات و تسهیلات دانشگاهی برای دانشجویان امری شناخته شده است. بر اساس داده‌های آماری سال ۱۳۹۰، چهارمیلیون و دویست هزار دانشجو در ۲۳۹۰ مؤسسه آموزش عالی (۱۱۹ مؤسسه دولتی و ۲۲۷۱ مؤسسه غیردولتی) کشور در حال تحصیل هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۲). بر این اساس تعداد دانشجویان کشور در مقایسه با دهه ۷۰ نزدیک به ۱۰ برابر شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۲)، و این در حالی است که رشد چشم گیر تعداد دانشجویان دانشگاه‌ها و از سوی دیگر محدودیت بودجه و امکانات و وابستگی دانشگاه‌ها به بودجه‌های دولتی و هم چنین رشد هزینه‌ها در بخش‌های مختلف آموزش، غذا و مسکن طی دهه اخیر و عدم تناسب رشد اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها با تعداد دانشجویان، باعث شده است که دانشگاه‌ها در فراهم آوردن امکانات لازم برای دانشجویان دچار مشکل شوند که بی شک تأثیر مستقیمی بر کیفیت زندگی دانشجویان دارد.

کاهش بودجه‌ها و امکانات دانشگاه‌ها در سال‌های اخیر به گونه ای بوده است که به گفته مهدی ایرانمنش معاون وزیر و رئیس مرکز هیأت‌های امنای و هیأت‌های ممیزه وزارت علوم، در سال ۱۳۹۱ تنها ۶۵ درصد از اعتبارات دانشگاه‌ها تأمین شده است. این کاهش بودجه بیش از همه در بخش پژوهش و اموری هم چون خدمات رفاهی دانشجویان خود را نشان داده است به طوری که دانشگاه‌ها مجبور به صرف بودجه اختصاص یافته به پژوهش و تغذیه دانشجویان برای تأمین حقوق کارمندان شده‌اند (ایرانمنش، ۱۳۹۲). بدون شک کاهش بودجه‌های مرتبط با خدمات رفاهی دانشجویان هم چون یارانه غذا و امکانات خوابگاهی منجر به کاهش کیفیت زندگی دانشجویان و در نتیجه کاهش رضایت از زندگی دانشجویی در بین آنان میشود.

کیفیت زندگی از نظر مفهومی تعاریف مختلفی دارد ولیکن به صورت کلی به عنوان شادی و رضایت ذهنی (داینر، ۱۹۸۴) که شامل قضاوت درمورد تحقق نیازها، اهداف و آرزوهای





(کمپبل و همکاران^۱، ۱۹۷۶) فرد است، تعریف شده است. به معنای دیگر کیفیت زندگی یک سنجه اندازه‌گیری میزان شادمانی افراد و یا به معنای دیگر میزان رضایت افراد از برآورده شدن نیازها و آرزوهایشان است. مطالعات کیفیت زندگی در عرصه‌های مختلفی هم چون بازاریابی، سلامت و آموزش صورت گرفته است. به عنوان مثال کیفیت زندگی در رویکرد بازاریابی یک فلسفه در حال تکامل است که مطالعات آن بر ارتقاء رضایت و رفاه مشتریان متمرکز است (لی و سیرجی^۲، ۲۰۰۴ به نقل از سیرجی و همکاران^۳، ۲۰۰۷). از آن جا که زندگی یک مفهوم پیچیده و انتزاعی است، محققان کیفیت زندگی ابعاد مختلف زندگی را مورد شناسایی قرار داده‌اند که شامل مکان‌های مختلف، فعالیت‌ها، نقش‌ها، انتظارات و روابطی می‌شود که در آنها فرد خود را در ارتباط با دیگران می‌یابد (اندرو و وایتنی^۴، ۱۹۷۶؛ کمپبل و همکاران، ۱۹۷۶). بر اساس یافته‌های پژوهشی مردم در زندگی روزانه حوادث مختلفی را در عرصه‌های مختلف زندگی شامل اوقات فراغت، زندگی خانوادگی، روابط دوستانه، زندگی فرهنگی، زندگی کاری، زندگی تحصیلی، زندگی اجتماعی، زندگی مصرفی، زندگی اقتصادی، زندگی معنوی، سلامت و امنیت زندگی، زندگی همسایگی و سرانجام زندگی فردی تجربه می‌کنند (سیرجی و همکاران، ۲۰۱۰). بررسی پیشنهاد مطالعات کیفیت زندگی نشان می‌دهد اکثر این مطالعات بر بررسی رضایت افراد از تعداد محدودی از ابعاد زندگی متمرکز بوده‌است، به عنوان مثال رضایت از خدمات و یا رضایت از میزان سلامت و هم چنین در گروه سالمندان و بیماران. مطالعات بر روی کیفیت زندگی مبتنی بر سلامت صورت گرفته است. بررسی کیفیت زندگی دانشجویان^۵ از جمله مباحث نوینی است که در مطالعات کیفیت زندگی مورد توجه قرار گرفته است. سیرجی و همکاران (۲۰۰۷) برای اولین بار مفهوم کیفیت زندگی دانشجویان را بر اساس تئوری تسری بعنوان رضایت از زندگی در دوران دانشجویی تعریف نمودند. مطالعات قبلی بیشتر متمرکز بر سنجش کیفیت زندگی دانشجویان بر ابعاد متفاوتی متمرکز بوده‌است. به عنوان مثال این مطالعات بر رضایت ذهنی از زندگی، رضایت از امکانات دانشگاه و یا جنبه‌های اجتماعی زندگی استوار بوده است (چا،^۶ ۲۰۰۳) در حالی که سیرجی و همکاران (۲۰۰۷) برای اولین بار کیفیت زندگی دانشجویان را به عنوان رضایت از زندگی دانشجویی در دوران دانشجویی و بر اساس تئوری تسری تعریف

1. Campbell/A.
2. Lee/D.J. and Sirgy/M.J.
3. Sirgy/M.J.
4. Andrews/F.W. and Withey/S.B.
5. Quality of College Life
6. Cha/K.H.

نموده و برای سنجش آن نیز مقیاس ویژه ای را طراحی نمودند. سیرجی و همکاران در سال ۲۰۱۰ به منظور بررسی پایایی و روایی این ابزار ۲۸۱۲ دانشجو را از ۱۰ دانشگاه در هفت کشور (آمریکا، ترکیه، کره جنوبی، استرالیا، لبنان، آلمان و ایتالیا) مورد بررسی قرار دادند. از آن جا که مطالعه ای با استفاده از چارچوب تئوریک و مقیاس سیرجی و همکاران (۲۰۰۷ و ۲۰۱۰) در ایران صورت نگرفته است، انتظار می رود نتایج حاصل از این مطالعه با توجه به این که این مدل و مقیاس برای اولین بار ویژه زندگی دانشگاهی طراحی شده است، اطلاعات مفید و دقیقی از رضایت دانشجویان از ابعاد مختلف زندگی در اختیار ما قرار دهد.

پیشینه پژوهش

بحث کیفیت زندگی اولین بار در منابع مکتوب به آثار ارسطو باز می گردد که در کتاب نیکو ماخس به موضوع سعادت انسانی می پردازد و این موضوع را مطرح می نماید که سعادت چیست و با چه فعالیت هایی و چگونه می توان سعادت مند شد. ارسطو زندگی خوب را معادل شادکامی^۱ در نظر می گیرد و به بررسی تفاوت این مفهوم در افراد مختلف می پردازد و نتیجه می گیرد سلامتی که باعث رضایت مندی در یک فرد بیمار می شود با ثروت که فرد فقیری را شاد می کند یکسان نیست و تأکید می کند که شادکامی نه تنها برای افراد مختلف معانی متفاوتی دارد بلکه برای یک فرد نیز در شرایط متفاوت معنی یکسانی نخواهد داشت. واژه کیفیت زندگی^۲ با رویکرد آکادمیک نخستین بار توسط پیگو^۳ در سال ۱۹۲۰ در کتاب اقتصاد و رفاه مورد استفاده قرار گرفت. این آغازی بود بر مطالعات سیستماتیک در حوزه شادمانی و کیفیت زندگی (بیات و بیات، ۱۳۹۱: ۵۷۶) به طوری که از دهه ۱۹۳۰ محققان آمریکایی به ارزیابی کیفیت زندگی در مناطق مختلف کشور خود پرداختند و پس از آن این مفهوم مورد توجه دانشمندان علوم روان شناسی، اقتصاد، سیاست، جامعه شناسی و پزشکی به صورت یک موضوع میان رشته ای قرار گرفت.

درخصوص مفهوم کیفیت زندگی تعاریف و تعابیر مختلفی ارائه شده است که هر یک ابعادی از زندگی فرد را در نظر می گیرد. بیات و بیات (۱۳۹۱: ۵۷۶) در بررسی مفهوم کیفیت زندگی معتقدند برخی آن را توانایی فرد برای اداره زندگی از دید خود (مثلاً ویر، ۱۹۹۸)، و



1. Happiness
2. Quality of Life
3. Pigou
4. Ware/Jr.



برخی آن را توصیفی که به سلامت و ارتقاء عاطفی، اجتماعی و جسمی افراد و توانایی آنها برای انجام وظایف روزمره اشاره دارد (مثلاً دونالد، ۲۰۰۱) تعریف می‌کنند. یکی از جامع‌ترین تعاریف در این حوزه، تعریف سازمان جهانی بهداشت است که کیفیت زندگی را درک افراد از موقعیت خود در زندگی در حیطه‌های فرهنگی، ارزش‌های سیستمی که در آن زندگی می‌کنند و روابطشان با اهداف، آرزوها و دغدغه‌هایشان عنوان می‌کند (بیات و بیات، ۱۳۹۱: ۵۷۶) است. با آن که حوزه‌های مختلف مطالعاتی این مفهوم را مورد استفاده و سنجش قرار داده‌اند اما وفاق کلی بر چند بعدی و پیچیده بودن مفهوم کیفیت زندگی در بین محققان وجود دارد، چرا که کیفیت زندگی دربرگیرنده عوامل عینی و ذهنی است و ارزیابی فرد در مورد رفاه و آسایش در جنبه‌های مهم زندگی را مورد توجه قرار می‌دهد. یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های کیفیت زندگی که مورد توافق اغلب صاحب‌نظران علوم اجتماعی است، چند بعدی بودن، ذهنی بودن و پویا بودن آن است.

سنجش کیفیت زندگی با بهره‌مندی از رویکردها، روش‌ها و مؤلفه‌های متفاوتی صورت می‌گیرد به عنوان مثال حوزه این مطالعات را می‌توان شامل سنجش موقعیت سلامت عمومی، قابلیت کارکردی، کارکردهای عاطفی، میزان احساس خوشبختی، رضایت از زندگی، شادکامی، میزان هوشیاری، میزان نشانگان فعالیت‌های اجتماعی، عملکرد جنسی، میزان حافظه، موقعیت‌های مالی و شغلی، سلامت خانواده و رضایت از زندگی در نظر گرفت. این مطالعات علاوه بر تمرکز بر ویژگی‌های فردی و اجتماعی، بر مؤلفه‌های دیگری هم چون موقعیت و نوع گروه‌ها نیز حساس هستند. به عنوان مثال گروه‌های اقلیت و در معرض آسیب (مهاجران، بیماران، اقلیت قومی و...) و یا گروه‌های مؤثر اجتماعی هم چون زنان، جوانان و یا کارمندان حاضر در سیستم اداری کشور به عنوان گروه‌های خاص مورد مطالعه قرار می‌گیرند. مطالعات مرتبط با کیفیت زندگی در حوزه آموزش عالی از دهه ۱۹۹۰ مورد توجه قرار گرفت و محققان به بررسی کیفیت زندگی دانشجویان به عنوان یک گروه جوان که در آینده تأمین‌کنندگان نیروی دانش‌آموخته و متخصص جامعه هستند پرداختند.

سیرجی و همکاران (۲۰۰۷) با بررسی پیشینه مطالعات صورت گرفته در حوزه زندگی دانشجویان و کیفیت زندگی آنها را به سه دسته تقسیم می‌نمایند. آنها در گروه اول مطالعاتی که به بررسی رابطه بین کیفیت زندگی دانشجویان و عواملی هم چون شخصیت، سلامت و

1. Donald/A.
2. QOL



محیط (به عنوان مثال مطالعات چا ۲۰۰۳، کلیفتون و همکاران^۱ ۱۹۹۶، ماکینن و فیچل^۲ ۲۰۰۱، ان جی^۳ ۲۰۰۵، واعظ^۴ ۲۰۰۴ به نقل از سیرجی و همکاران ۲۰۰۷) می پردازد را قرار دادند و نتیجه گرفتند که نتایج حاصل از این مطالعات نشان می دهد که کیفیت زندگی با عواملی هم چون سلامت (واعظ، ۲۰۰۴) و شخصیت افراد (چا، ۲۰۰۳) و تأثیر رویدادهای روزانه (پلیچر^۵، ۱۹۹۸) در ارتباط است. سیرجی و همکاران (۲۰۰۷) در گروه دوم مطالعاتی را بررسی نمودند که با اقتباس از مقیاس های اندازه گیری کیفیت زندگی و انطباق آن با محیط های دانشگاهی (مثلاً: بنجامین^۶ ۱۹۹۴، کوهن^۷ و همکاران ۲۰۰۱، دیش^۸ و همکاران ۲۰۰۰) به بررسی کیفیت زندگی دانشجویان پرداخته اند. این مطالعات به بررسی کیفیت زندگی دانشجویان (به نقل از سیرجی و همکاران، ۲۰۰۷) در مقیاسی وسیع پرداخته است و میتوان به مطالعه کوهن و همکاران با استفاده از منشور یادگیری بلوم^۹ (۱۹۷۱)، روبرتس و کلیفتون^{۱۰} (۱۹۹۲) که به بررسی کیفیت زندگی عاطفی دانشجویان، و یا مقیاس ارزیابی سلامت سبک زندگی دانشجویان^{۱۱} (ویتمر و سوونی^{۱۲} ۱۹۹۲) و مقیاس اندازه گیری سبک زندگی و رضایت دانشجویان^{۱۳} (دیش و همکاران، ۲۰۰۰) اشاره نمود. سیرجی و همکاران (۲۰۰۷) در بررسی پیشینه پژوهشی (مثلاً چاو، ۲۰۰۵) به این نتیجه رسیدند که زندگی دانشگاهی برای دانشجویان تنها یکی از ابعاد چندگانه زندگی او را شکل میدهد که ابعاد دیگر هم بدون شک تأثیر بسزایی در شادمانی، رضایت از زندگی و یا رضایت ذهنی از زندگی دارند. آنها به مطالعه چاو (۲۰۰۵) اشاره می نمایند که رابطه معناداری بین ابعاد مختلف زندگی فرد و رضایت کلی از زندگی را در دانشگاه کانادا تأیید نمود و علاوه بر این نتایج مطالعه نشان داد که احساسات مثبت و منفی نسبت به برخی ابعاد زندگی (مثل خانواده، منزل، اجتماع، معنویت، جامعه و احساسات) نیز نقش بسیار مؤثری در پیش بینی میزان رضایت

1. Clifton/R.
2. Makinen/J.A. and Pychyl/T.A.
3. Ng/S.L.
4. Vaez/M.
5. Pilcher/J.J.
6. Benjamin/M.
7. Cohen/E.
8. Disch/W.B.
9. Bloom/B.
10. Roberts/L. and Clifton/R.
11. WEL
12. Witmer/J.M. and Sweeney/T.J.
13. SQOLAS



از زندگی دارد. از دیگر مطالعات انجام گرفته در این بخش می توان به مطالعات کاتن^۱ و همکاران (۲۰۰۲)، گنکوز و اوزلالی^۲ (۲۰۰۴) و نزلک و آلن^۳ (۲۰۰۶) اشاره نمود (به نقل از سیرجی و همکاران، ۲۰۰۷). سیرجی و همکاران (۲۰۰۷) در گروه سوم مطالعاتی قرار دادند که به طراحی و تهیه مقیاس های اندازه گیری ویژه کیفیت زندگی دانشگاهی پرداخته اند (مثلاً: سیرجی و همکاران ۲۰۰۷، یو و کیم^۴، یو و لی^۵، ۲۰۰۸). نتایج حاصل از این مطالعات نشان داده است که کیفیت زندگی دانشگاهی با عوامل متعددی در ارتباط است که مهم ترین بخش آن رضایت از امکانات دانشگاه، بعد آموزشی و بعد اجتماعی است.

بررسی پیشینه مطالعاتی کیفیت زندگی دانشگاهی در ایران نشان می دهد که بیشتر مطالعات صورت گرفته بر اساس طبقه بندی سیرجی و همکاران (۲۰۰۷) در گروه اول جای می گیرند، بدان معنا که در این مطالعات کیفیت زندگی با استفاده از رویکردهای رایج در حوزه سلامت روان و یا سلامت عمومی استفاده شده است. به عنوان مثال مطالعه نیری و حاج باقری (۱۳۸۵) به بررسی تأثیر تن آرامی بر استرس و کیفیت زندگی دانشجویان مقیم خوابگاه های دانشجویی پرداخته است و در بررسی کیفیت زندگی از ابزار کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی استفاده برده است. در مطالعه دیگری نصر آبادی و همکاران (۱۳۸۷) به بررسی ارتباط حیطه های نگرانی با کیفیت زندگی در بین ۴۰۰ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی تهران پرداخته اند و در مطالعه خود برای سنجش کیفیت زندگی از ابزار سنجش کیفیت زندگی با پرسش نامه SF-36 استفاده برده اند.

مطالعات دیگری نیز در این زمینه صورت پذیرفته که می توان به بررسی اثر بخشی معنویت درمانی بر میزان امید و کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه اصفهان توسط مریم عزیزی ابرقویی (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی دانشجویان توسط هدی فتوت (۱۳۸۹)، بررسی رابطه میان کیفیت زندگی مرتبط با سلامت، راهبردهای مقابله ای و احساس تنهایی در دانشجویان توسط راضیه چناری (۱۳۸۷)، ارزیابی پایایی و روایی نسخه فارسی پرسشنامه شاخص کیفیت زندگی^۶ توسط نرگس رفیعی (۱۳۸۹)، بررسی اثر بخشی گروه درمانی معنوی

1. Cotton/S.J.
2. Genco/T. and Ozlale/Y.
3. Nezlek/J.B. and Allen/M.R.
4. Yu/G. and Kim/J.H.
5. Yu/G. and Lee/D.J.
6. Quality of Life Index

اسلامی بر علائم افسرده خوئی و کیفیت زندگی دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان توسط راضیه فتاحی قهنویه (۱۳۸۹)، بررسی ارتباط میزان سلامت اجتماعی و کیفیت زندگی در دانشجویان دختر ساکن خوابگاه‌های دانشگاه تهران توسط غزاله مسعودی (۱۳۸۸) و اثربخشی روان درمانی وجودی به شیوه گروهی بر افزایش کیفیت زندگی دانشجویان توسط جواد خدادادی سنگده (۱۳۹۰) اشاره نمود. مجموعه این مطالعات کیفیت زندگی را با استفاده از رویکردهای سلامت تعریف نموده و در سنجش از مقیاس‌های رایج استاندارد شده در حوزه سلامت همانند مقیاس کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی^۱، مقیاس کیفیت زندگی^۲ و به ویژه SF-36 بهره برده‌اند. بنابراین مطالعه‌ای که کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان را بر اساس مقیاس طراحی شده ویژه زندگی دانشگاهی مورد بررسی قرار دهد، انجام نشده است و این کمبود در منابع داخلی وجود دارد و لازم است با انجام مطالعات بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

اهداف مطالعه

هدف اصلی این مطالعه بررسی کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان است. بر این اساس مطالعه حاضر از مدل توسعه یافته سیرجی و همکاران (۲۰۱۰) در ایران استفاده کرده است. بر اساس پیش فرض‌های این مدل رضایت از امکانات و تسهیلات دانشگاه تأثیر مثبت بر رضایت از بعد آموزشی و بعد اجتماعی دانشگاه دارد. در ادامه این مدل نشان می‌دهد که رضایت از این ابعاد منجر به رضایت از زندگی دانشگاهی و در نتیجه رضایت از زندگی به طور کلی می‌شود. بر این اساس هدف این مطالعه بررسی رضایت دانشجویان از ابعاد مختلف زندگی دانشگاهی (تسهیلات و امکانات، بعد آموزشی و بعد اجتماعی) و هم چنین بررسی تأثیر این عوامل بر رضایت کلی از زندگی دانشجویان است. هدف دیگر این مطالعه بررسی مدل و مقیاس سیرجی و همکاران (۲۰۰۷) در ایران است، از آنجا که سنجش این مدل در حال حاضر در کشورهای محدودی از دنیا صورت گرفته است، این مطالعه می‌تواند علاوه بر تولید پیشینه مرتبط در ایران، به محققان علاقمند به تحقیق در حوزه کیفیت زندگی دانشگاهی در ایران کمک نماید.

چارچوب نظری مطالعه:

گسترش آموزش عالی در دهه‌های اخیر باعث شده است بررسی کیفیت زندگی دانشگاهی و رضایت دانشجویان از زندگی دانشگاهی مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس مدل‌های

1. WHOQOL
2. QLI



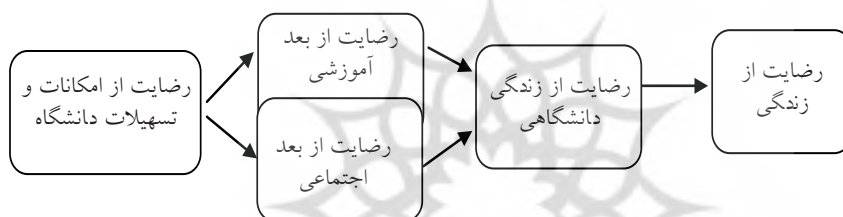


مختلفی به منظور بررسی و پیش بینی عوامل مؤثر بر ارتقاء کیفیت زندگی دانشجویان و رضایت دانشجویان توسعه یافته است. این مدل‌ها بر اساس ابعاد مختلف زندگی دانشجویان طراحی شده‌اند، به عنوان مثال روبرتس و کلیفتون (۱۹۹۲) مقیاسی را طراحی و مورد سنجش روانی قرار دادند که به بررسی کیفیت زندگی عاطفی دانشجویان می‌پردازد. ویتمر و سوونی (۱۹۹۲) نیز مدل و مقیاس دیگری در زمینه کیفیت زندگی شامل مقیاس ارزیابی سلامت سبک زندگی دانشجویان^۱ طراحی نمودند که بیشتر متمرکز بر سلامت بود. مدل کامل تری^۲ توسط دیش و همکاران (۲۰۰۰) شامل ۱۰ بعد اصلی بود که به صورت مستقیم به بررسی نگرانی‌ها و افسرده‌گی در بین دانشجویان می‌پرداخت. کوهن و همکاران ۲۰۰۱، مقیاس شناختی را برای بررسی کیفیت زندگی دانشجویان طراحی نمودند که به بررسی درجه فهم و درک علمی و شناختی دانشجویان می‌پرداخت و سرانجام مدل کامل تری توسط ماجینو و شینی آندره^۳ (۲۰۰۳) به نقل از سیرجی و همکاران، (۲۰۱۰) شامل سه بعد: (الف) انگیزه نسبت به تحصیل، (ب) عملکرد دانشگاهی و علمی و (ج) رضایت از زندگی ارائه شد که کامل تر بود. اما مهم ترین ضعف‌های این مدل‌ها، تمرکز بر ابعاد خاص زندگی دانشجویان است، به عنوان مثال تمرکز بر افسرده‌گی و یا رضایت صرف از امکانات و یا بررسی عملکرد شناختی دانشجویان. مدل مورد بررسی در مطالعه حاضر بر اساس مدل رضایت از زندگی دانشگاهی سیرجی و همکاران (۲۰۱۰) در نظر گرفته شده است که اساس آن تئوری تسری رضایت از زندگی^۴ است. بر اساس این تئوری که در آن رابطه بین حوزه‌های زندگی فردی و کیفیت زندگی کلی فرد مورد بررسی قرار می‌گیرد، رضایت از یک بخش زندگی بر روی رضایت از بخش‌های دیگر تأثیر دارد (اندرو و وایتنی، ۱۹۷۶؛ کمپیل و همکاران، ۱۹۷۶؛ داینر، ۱۹۸۴). بعدها نظریه تسری به صورت کامل تری تحت عنوان مدل سلسله مراتب رضایت مطرح شد (لی و سیرجی، ۲۰۰۴) به نقل از سیرجی و همکاران، (۲۰۰۷) که در آن رضایت از زندگی ترکیبی از رضایت از دیگر ابعاد زندگی مثل زندگی شخصی، زندگی کاری، زندگی اجتماعی و سلامت است که رضایت کلی از زندگی در بالای این هرم قرار دارد. نظریه تسری مدلی است که در آن رابطه بین حوزه‌های زندگی فردی و کیفیت زندگی کلی فرد مورد بررسی قرار می‌گیرد و رضایت از یک بخش زندگی بر

1. WEL
2. SQOLAS
3. Maggino/F. and D'Andrea/S.S.
4. Bottom-up spillover theory

روی رضایت از بخش‌های دیگر تأثیر دارد (اندرو و وایتنی، ۱۹۷۶؛ کمپیل و همکاران، ۱۹۷۶؛ داینر، ۱۹۸۴، سیرجی، ۲۰۰۲).

مدل مفهومی ارائه شده توسط سیرجی و همکاران (۲۰۰۷) مبتنی بر رضایت دانشجویان از دو وجه کلی زندگی دانشگاهی شامل رضایت از ابعاد آموزشی^۱ و رضایت از ابعاد اجتماعی^۲ زندگی دانشگاهی است. در مدل مفهومی سیرجی (۲۰۰۷) رضایت از بعد آموزشی و رضایت از بعد اجتماعی در دانشگاه هر دو تحت تأثیر رضایت از امکانات و خدمات دانشگاه^۳ هستند، حال آن‌که سیرجی و همکاران (۲۰۱۰) پس از انجام مطالعات گوناگون در دانشگاه‌های مختلف دنیا این مدل را کامل‌تر نمودند و بر اساس تئوری تسری نتیجه گرفتند که رضایت از زندگی دانشگاهی می‌تواند بر میزان رضایت از زندگی فرد هم تأثیر داشته باشد و در نتیجه در ادامه مدل پس از رضایت از زندگی دانشگاهی فاکتور رضایت از زندگی را مطرح نمودند (شکل ۱).



شکل ۱: مدل مفهومی کیفیت زندگی دانشگاهی سیرجی و همکاران (۲۰۱۰)

سیرجی و همکاران (۲۰۱۰) رضایت کلی از زندگی دانشگاهی^۴ را رضایتی تعریف نموده‌اند که می‌کند. بر اساس مدل مفهومی (شکل ۱) سه متغیر اصلی در رضایت از زندگی دانشگاهی نقش ویژه دارد. در مدل QCL، فاکتور رضایت از امکانات و تسهیلات دانشگاه (به عنوان مثال، کتاب فروشی دانشگاه، ارتباطات راه دور، و مراکز تفریحی) و خدمات اساسی (به عنوان مثال خدمات کتابخانه، حمل و نقل، خدمات پارکینگ ماشین و خدمات بهداشت و درمان) به عنوان عامل اثرگذار بر رضایت از بعد آموزشی و بعد اجتماعی زندگی دانشگاهی در نظر گرفته شده است. بر اساس این مدل (شکل ۱) فرض اصلی این است که رضایت از امکانات و خدمات اساسی بر رضایت از هر دو جنبه آموزشی و اجتماعی زندگی دانشگاهی دانشجویان تأثیر دارد.

1. Academic aspects
2. Social aspects
3. Facilities and services
4. Overall satisfaction with college life





رضایت از بعد آموزشی زندگی دانشجویان با در نظر گرفتن شاخص‌های مختلف، مورد بررسی قرار گرفت. رضایت از اساتید، رضایت از شیوه‌های تدریس، رضایت از محیط کلاس‌ها، رضایت از حجم تکالیف درسی، رضایت از میزان معروفیت و شهرت علمی دانشگاه و در نهایت رضایت از تنوع رشته‌های تحصیلی دانشگاه از مهم‌ترین شاخص‌های مورد سنجش در بعد آموزشی زندگی دانشجویان هستند. رضایت از بعد اجتماعی زندگی دانشجویان با در نظر گرفتن شاخص‌هایی هم چون رضایت از خوابگاه‌های دانشگاه، رضایت از برنامه‌ها و خدمات بین‌المللی، رضایت از برنامه‌های مذهبی و معنوی، رضایت از باشگاه‌ها و انجمن‌های دانشجویی دانشگاه، رضایت از امکانات ورزشی دانشگاه و رضایت از فعالیت‌های تفریحی و فوق برنامه دانشگاه مورد سنجش قرار گرفته است. بر اساس مدل پیشنهادی، سیرجی دو فرض مهم را مطرح نمود: (۱) بالاتر بودن میزان رضایت دانشجویان از بعد آموزشی زندگی دانشجویان باعث افزایش رضایت از زندگی دانشجویان است و (۲) بالاتر بودن میزان رضایت دانشجویان از بعد اجتماعی زندگی دانشجویان باعث افزایش رضایت از زندگی دانشجویان است. این دو فرض بر اساس تئوری تسری در نظر گرفته شده‌اند که در مطالعات پیشین (اندرو و ویتی، ۱۹۷۶، کمپیل و همکاران، ۱۹۷۶، داینر و همکاران، ۱۹۸۴، داینر و همکاران، ۱۹۹۹، سیرجی، ۲۰۰۱، ۲۰۰۲) مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس تئوری تسری رضایت و عدم رضایت از یک بخش از زندگی بر روی رضایت و عدم رضایت از بخش‌های دیگر زندگی تأثیر دارد. بر اساس این نظریه رضایت از زندگی در نقطه بالایی هرم رضایت قرار دارد و رضایت از زندگی متأثر از رضایت در ابعاد جداگانه زندگی (رضایت از محیط اجتماعی، خانواده، شغل، زندگی اجتماعی، سلامت و...) است.

بر این اساس رضایت از یک بعد مشخص زندگی (بعنوان مثال رضایت از زندگی دانشجویان) خود نیازمند رضایت از ابعاد مقدم‌تری (مثل رضایت از بعد علمی و بعد اجتماعی) است. به عبارت دیگر، محققان استدلال می‌کنند که رضایت بیشتر از جنبه‌های آموزشی زندگی دانشجویان (به عنوان مثال، اعضای هیأت علمی، روش تدریس، محیط کلاس درس، حجم تکالیف دانشجویی، شهرت آکادمیک، و تنوع رشته تحصیلی دانشجویان) و هم چنین رضایت از جنبه‌های اجتماعی (به عنوان مثال، خوابگاه‌های دانشجویی، خدمات و برنامه‌های بین‌المللی، باشگاه‌ها و انجمن‌های دانشجویی، امکانات ورزشی دانشگاه و فعالیت‌های تفریحی و فوق برنامه دانشگاه)، باعث افزایش رضایت از زندگی دانشجویان می‌شود. در ادامه این مدل تأکید

دارد که رضایت از زندگی دانشگاهی به عنوان یکی از ابعاد زندگی فرد تأثیر مثبتی بر رضایت کلی از زندگی دارد (شکل ۱).

سیرجی و همکاران برای سنجش کیفیت زندگی دانشگاهی مطالعات فراوانی را انجام داده‌اند که مرحله اول شامل یک مطالعه گروهی در بین ۱۵ دانشجوی دوره کارشناسی رشته بازاریابی در سال ۲۰۰۷ بوده است. پس از این مطالعه، ابزار طراحی شده در دو مطالعه دیگر مورد استفاده قرار گرفت. مطالعه اول شامل ۲۸۱۲ دانشجوی دوره کارشناسی از ۱۰ دانشگاه در سراسر جهان (شامل: ۱- دانشگاه فناوری ویرجینیا، ایالات متحده آمریکا، ۲- دانشکده ویلیام و ماری، ایالات متحده آمریکا، ۳- دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در سن برناردینو، ایالات متحده آمریکا، ۴- دانشگاه تگزاس جنوبی، ایالات متحده آمریکا، ۵- دانشگاه نوادا، لاس وگاس، ایالات متحده آمریکا، ۶- دانشگاه یونسی، کره جنوبی، ۷- دانشگاه غربی استرالیا، ۸- دانشگاه بیلکنت ترکیه، ۹- دانشگاه آمریکایی بیروت، لبنان؛ و ۱۰) دانشگاه تبریز، آلمان) بود. داده‌ها در بین دانشجویان دوره کارشناسی و با استفاده از پرسشنامه آنلاین انجام پذیرفت. نتایج حاصل از مطالعه علاوه بر تأیید اعتبار ابزار، مدل مفروض را نیز مورد تأیید قرار داد. مدل مورد بررسی در این مطالعه، ارتباط بین رضایت از کیفیت زندگی دانشگاهی را متأثر از دو بعد آموزشی و اجتماعی و این دو بعد را متأثر از رضایت از تسهیلات و امکانات دانشگاه، مفروض نموده است. موج دوم مطالعه به منظور بررسی مدل توسعه یافته انجام شد. در این مدل سیرجی و همکاران (۲۰۱۰) با تأکید بر یافته‌های یو و لی (۲۰۰۸)، فاکتور رضایت کلی از زندگی را اضافه نمودند. بدین شرح که رضایت از زندگی دانشگاهی به عنوان یکی از ابعاد چندگانه زندگی فرد می‌تواند نقش مؤثری در رضایت کلی از زندگی داشته باشد. بنابراین در مدل مفروض، متغیر رضایت کلی از زندگی پس از رضایت از زندگی دانشگاهی اضافه شد. نمونه مورد مطالعه شامل ۱۴۸۰ پاسخگو از سه دانشگاه (شامل: ۱- دانشگاه مونتری، مکزیک، ۲- دانشگاه ادنیز، ترکیه و ۳- دانشگاه فلورانس، ایتالیا) بود. نتایج حاصل از مطالعه بیانگر معناداری مدل مفروض و تأیید تأثیر فاکتورهای مفروض در پیش بینی رضایت از زندگی دانشگاهی و رضایت کلی از زندگی بود.

روش تحقیق

جامعه آماری

روش تحقیق حاضر از نوع علی-همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان





دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه تهران و دانشگاه کردستان تشکیل می دهند که در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ مشغول به تحصیل بودند. از این جامعه با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی تعداد ۴۵۰ دانشجو انتخاب شدند و در نهایت از ۴۵۰ نفر گروه نمونه، داده‌های مربوط به ۴۰۰ نفر آزمودنی تحلیل و بقیه به علت ناقص بودن مشخصات و یا عدم پاسخ گویی به همه سؤالات از محاسبه خارج و کنار گذاشته شدند. از مجموع کل پاسخگویان ۲۰۰ نفر مرد (۵۰٪) و ۲۰۰ نفر زن (۵۰٪)، با میانگین سنی ۲۳ سال در دامنه سنی ۱۸-۳۲ سال بودند. هم چنین از کل نمونه ۸۵ درصد در مقطع کارشناسی و ۱۲ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۳ درصد در مقطع دکترا در حال تحصیل بودند. هم چنین از کل نمونه ۲۸ درصد در رشته فنی و مهندسی، ۱۵ درصد در رشته علوم پایه و ۵۷ درصد در رشته علوم انسانی در حال تحصیل بودند.

ابزار سنجش:

ابزار سنجش در این مطالعه شامل سنججه کیفیت زندگی دانشگاهی سیرجی و همکاران (۲۰۱۰) می شود که مبتنی بر چهار پرسشنامه سنجش رضایت از زندگی دانشگاهی، رضایت از بعد آموزشی، رضایت از بعد اجتماعی و رضایت از امکانات و تسهیلات است. قابل ذکر است که در مقیاس سیرجی و همکاران (۲۰۱۰) ابعادی از امکانات و زندگی دانشگاهی دانشجویان مد نظر قرار گرفته است که با امکانات و فرهنگ ایران انطباق نداشته و لذا این گزینه ها حذف شده اند.

الف) رضایت از کیفیت زندگی دانشگاهی^۱

کیفیت زندگی دانشگاهی به عنوان احساس رضایت کلی یک دانشجو از زندگی در دانشگاه تعریف شده است. برای سنجش این امر از دانشجو خواسته شده است درباره احساس رضایت خود از زندگی دانشگاهی نظر دهد. سؤالات مطرح شده در این بخش شامل سه سؤال کلی بر روی طیف پنج گزینه ای خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵) است. ضریب آلفای کرونباخ برای سؤالات ۰/۸ گزارش شده است.

- ۱- در مجموع، تا چه اندازه از کیفیت زندگی دانشجویی در این دانشگاه رضایت دارید؟
- ۲- در مجموع تا چه اندازه از کیفیت زندگی شخصی خود در این دانشگاه رضایت دارید؟
- ۳- بر اساس گفته های دوستان و همکلاسی ها، آنها تا چه اندازه در مجموع از کیفیت زندگی خود در این دانشگاه رضایت دارند؟

ب) رضایت از بعد آموزشی زندگی دانشگاهی

رضایت از بعد آموزشی زندگی دانشگاهی دارای یازده سؤال و مبتنی بر ابعاد مختلفی شامل رضایت از دانشکده (رضایت از کیفیت تدریس، رضایت از سهولت دسترسی به دانشکده، رضایت از دانش اساتید پیرامون موضوعات درسی) رضایت از روشهای تدریس (رضایت از تکنولوژی های مورد استفاده در هنگام تدریس، رضایت از میزان تعامل دوطرفه دانشجو و استاد در کلاس)، محیط کلاس (رضایت از محل برگزاری کلاس ها)، تکالیف درسی (رضایت از حجم دروس و تکالیف، رضایت از میزان قابل فهم بودن و آسانی کتب و دروس ارائه شده)، شهرت علمی (رضایت از میزان شهرت علمی دانشگاه، رضایت از میزان معروفیت و شهرت اساتید) و تنوع در سطح دانشگاه (رضایت از تنوع جنسیتی (تعداد متناسب دختر و پسر) دانشجویان) است. دانشجویان میزان رضایت از هر یک از این ابعاد را به روی طیف پنج گزینه ای (خیلی کم تا خیلی زیاد) مشخص می نمایند. ضریب آلفای کرونباخ برای سؤالات در بعد آموزشی ۰/۸۲۲ گزارش شده است.

ج) رضایت از بعد اجتماعی زندگی دانشگاهی

رضایت از بعد اجتماعی زندگی دانشگاهی دارای سیزده سؤال و مبتنی بر ابعاد مختلفی شامل رضایت از خوابگاه های داخل دانشگاه (کیفیت، امکانات، امنیت و محل و سهولت دسترسی به خوابگاه ها) برنامه ها و سرویس های بین المللی (برنامه های بین المللی پیشنهادی دانشگاه، اطلاع رسانی بخش بین الملل دانشگاه)، برنامه های مذهبی و معنوی (نهادهای فعال در فعالیت های مذهبی و برنامه های مذهبی اجرا شده در دانشگاه) کانون ها و انجمن های دانشجویی، فضاهای ورزشی، فعالیت های تفریحی است. دانشجویان میزان رضایت از هر یک از این ابعاد را بروی طیف پنج گزینه ای (خیلی کم تا خیلی زیاد) مشخص می نمایند. ضریب آلفای کرونباخ برای سؤالات در بعد اجتماعی ۰/۸۱۹ گزارش شده است.

د) رضایت از تسهیلات و امکانات دانشگاه

رضایت از تسهیلات و امکانات دانشگاه دارای شانزده سؤال و مبتنی بر ابعاد مختلفی شامل رضایت از خدمات کتابخانه (نحوه برخورد کارمندان کتابخانه، رضایت از نوع طراحی و سازماندهی کتابخانه، رضایت از بخش مرجع کتابخانه و...)، خدمات حمل و نقل و پارکینگ دانشگاه (رضایت از محل پارکینگ دانشگاه، رضایت از خدمات سرویس های حمل و نقل دانشگاه)، درمانگاه دانشگاه (خدمات درمانی ارائه شده در درمانگاه دانشگاه، نحوه برخورد



کارمندان درمانگاه دانشگاه، رضایت از محیط و فضای درمانگاه دانشگاه و...)، کتابفروشی دانشگاه، خدمات ارتباطی (رضایت از سهولت دسترسی به امکانات تصویری و ارتباطی سایت کامپیوتر، تلویزیون، اینترنت و...) رضایت از سلف سرویس و خدمات غذایی، رضایت از صندوق رفاهی دانشگاه است. دانشجویان میزان رضایت از هر یک از این ابعاد را بروی طیف پنج گزینه ای (خیلی کم تا خیلی زیاد) مشخص می نمایند.

تحلیل یافته ها

پس از گردآوری یافته ها، برای محاسبه ضریب همبستگی پیرسون^۱ و برای آزمون مدل پیشنهادی سیرجی از روش تحلیل مسیر و روش مدل‌یابی معادلات ساختاری و نیز از نرم افزار آموس^۲ استفاده شده است. در این مدل رضایت از ابعاد سه گانه زندگی دانشگاهی شامل رضایت از خدمات و تسهیلات، رضایت از بعد آموزشی و رضایت از بعد اجتماعی به عنوان متغیرهای برون‌زا و یا جریان دهنده و رضایت از کیفیت زندگی دانشگاهی و رضایت کلی از زندگی به عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شده اند.

یافته‌ها

در این مطالعه تعداد ۴۰۰ دانشجویی که شامل ۲۰۰ دانشجویی از شهر تهران (دانشگاه تهران و علامه طباطبایی) و ۲۰۰ دانشجویی نیز از دانشگاه دولتی کردستان می شوند مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج حاصل از بررسی متغیرها نشان می‌دهد بین میانگین رضایت از ابعاد مختلف زندگی دانشگاهی بین دانشجویان دانشگاههای تهران و کردستان تفاوت وجود دارد. بررسی آزمون معناداری میانگین‌ها (جدول ۱) نشان می‌دهد که در دو بعد رضایت از امکانات و تسهیلات و رضایت از بعد آموزشی بین دو دانشگاه تفاوت معنادار وجود دارد در حالی که در بعد اجتماعی، تفاوت معنادار نیست. بررسی آزمون معناداری میانگین‌ها نشان می‌دهد که بین رضایت از کیفیت زندگی دانشگاهی (جمع سه بعد) بین دانشگاه‌های تهران و کردستان تفاوت معنادار وجود دارد. بررسی میانگین‌ها نشان می‌دهد میانگین رضایت دانشجویان دانشگاه تهران در همه ابعاد بالاتر از دانشجویان دانشگاه کردستان است و به عبارتی رضایت دانشجویان کردستان در همه ابعاد پایین است.

1. Pearson
2. Amos



جدول شماره ۱: مقایسه میانگین رضایت از کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان دانشگاه‌های تهران و کردستان

متغیرها	میانگین		مقدار t	سطح معناداری
	تهران	کردستان		
رضایت از امکانات و تسهیلات	۴۲/۹۳	۳۸/۹	۳/۱۶	۰/۰۰۰
رضایت از بعد آموزشی	۳۱/۶۱	۲۹	۳/۶۵	۰/۰۰۰
رضایت از بعد اجتماعی	۳۵	۳۴/۵۸	۰/۵۵۸	۰/۱۰۶
رضایت از کیفیت زندگی دانشگاهی	۱۰۹/۶۴	۱۰۲/۴۹	۳/۸۸	۰/۰۰۰

برای بررسی بیشتر ارتباط بین متغیرهای مورد بررسی و مدل پیشنهادی در ابتدا ارتباط همبستگی متغیرها مورد بررسی قرار گرفت که نتایج ضریب همبستگی پیرسون در جدول ۱ نشان می‌دهد بین رضایت از امکانات و تسهیلات دانشگاه و رضایت از بعد آموزشی و اجتماعی به ترتیب با ضرایب $(r = 0/557)$ و $(r = 0/571)$ ، همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. هم چنین بین رضایت کلی از زندگی دانشگاهی و رضایت از بعد آموزشی و اجتماعی نیز به ترتیب با ضرایب $(r = 0/416)$ و $(r = 0/436)$ ، همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۲: ماتریس همبستگی میان متغیرهای پژوهش

متغیرها	رضایت از تسهیلات و امکانات	رضایت از بعد آموزشی	رضایت از بعد اجتماعی	رضایت کلی از زندگی دانشگاهی	رضایت کلی از زندگی
رضایت از تسهیلات و امکانات	۱				
رضایت از بعد آموزشی	۰/۵۵۷***	۱			
رضایت از بعد اجتماعی	۰/۵۷۱***	۰/۵۷۱***	۱		
رضایت از زندگی دانشگاهی	۰/۴۰۷***	۰/۴۱۶***	۰/۴۳۶***	۱	
رضایت کلی از زندگی	۰/۱۴۲***	۰/۱۷۹***	۰/۱۶۳***	۰/۴۲۶***	۱

به منظور بررسی مدل پژوهش، از مدل معادله ساختاری استفاده شد. در بررسی برازش مدل مورد نظر از چند شاخص استفاده گردید. یکی از شاخص‌های برازندگی مدل شاخص





نیکویی برازش^۱ است که هر چه به یک نزدیک تر باشد بیانگر برازش بهتر مدل است که در این مدل مقدار آن ۰/۹۳۸ است. بنابراین می توان نتیجه گرفت مدل دارای برازش خوبی است. شاخص دیگر شکل تصحیح یافته شاخص نیکویی برازش^۲ می باشد، میزان این شاخص ۰/۸۱۴ است. این شاخص نیز همانند شاخص نیکویی برازش هر چه به یک نزدیک تر باشد بیانگر برازش بهتر مدل است. شاخص بعدی شاخص صرفه جویی برازندگی^۳ یک نوع شاخص برازش است که میزان سادگی مدل را مورد توجه قرار می دهد و در آن درجه آزادی مدل مفروض با یک مدل مستقل مورد مقایسه قرار می گیرد و در مدل حاضر مقدار آن ۰/۴ است.

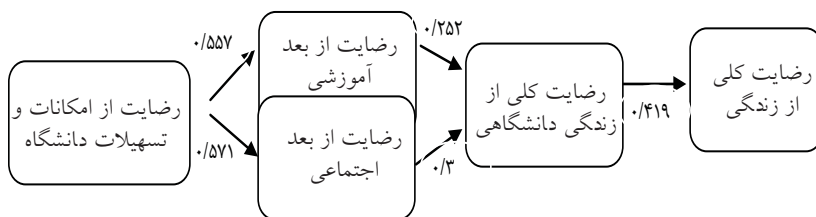
جدول شماره ۳: مقادیر اثرات مستقیم متغیرها در مدل

جهت	معناداری	مقدار بتای استاندارد	اثر مستقیم متغیرها
مثبت	۰/۰۰۰	۰/۵۵۷	رضایت از تسهیلات و امکانات ← رضایت از بعد آموزشی
مثبت	۰/۰۰۰	۰/۵۷۱	رضایت از تسهیلات و امکانات ← رضایت از بعد اجتماعی
مثبت	۰/۰۰۰	۰/۲۵۲	رضایت از بعد آموزشی ← رضایت از زندگی دانشجویان
مثبت	۰/۰۰۰	۰/۳	رضایت از بعد اجتماعی ← رضایت از زندگی دانشجویان
مثبت	۰/۰۰۰	۰/۴۱۹	رضایت از زندگی دانشجویان ← رضایت کلی از زندگی

در جدول شماره ۲ اثرات متغیرها بر اساس مدل پیشنهادی سیرجی و همکاران ارائه شده است. نتایج حاصل از جدول نشان می دهد که میزان رضایت از تسهیلات و امکانات دانشگاه تأثیر مثبت و معناداری بر رضایت از بعد آموزشی ($b=0.557$) و رضایت از بعد اجتماعی ($b=0.571$) دارد. بررسی مقادیر ضرایب مسیر متغیرها نشان می دهد که رضایت از تسهیلات و امکانات تأثیر بیشتری بر رضایت از بعد اجتماعی زندگی دانشجویان دارد. بررسی مدل نشان می دهد که هر دو متغیر رضایت از بعد آموزشی ($b=0.252$) و رضایت از بعد اجتماعی ($b=0.3$) تأثیر مثبت و معناداری بر رضایت کلی از زندگی دانشجویان دارند. مقدار ضریب مسیر رضایت از بعد اجتماعی بیانگر تأثیر بیشتر آن بر رضایت کلی از زندگی دانشجویان است. نتایج

1 . Goodness of fit index
2 . AGFI
3 . PGFI

نشان می‌دهد که رضایت از زندگی دانشگاهی ($b=0.419$) تأثیر مثبت و معناداری بر رضایت کلی از زندگی دارد.



شکل ۲: بررسی مدل مفهومی کیفیت زندگی دانشگاهی سیرجی و همکاران (۲۰۱۰) در بین دانشجویان

نتیجه‌گیری

هدف اصلی در مختلف زندگی دانشگاهی بر کیفیت زندگی دانشگاهی و تأثیر آن بر رضایت از کیفیت زندگی کلی دانشجویان بود. نتایج حاصل از مطالعه نشان داد که بین رضایت از تسهیلات و امکانات و رضایت از بعد آموزشی و بعد اجتماعی زندگی دانشگاهی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بررسی نتایج نشان داد که بعد اجتماعی تأثیر بیشتری بر رضایت از زندگی دانشگاهی دارد و تأثیر بعد آموزشی در جایگاه دوم قرار دارد. بررسی نتایج نشان داد که رضایت دانشجویان از تسهیلات و امکانات دانشگاه در سطح متوسط قرار دارد و رضایت دانشجویان از بعد اجتماعی در سطح پایینی قرار دارد. یکی از مهمترین شاخص‌های بعد اجتماعی زندگی دانشجویان مسائل فرهنگی است که باید مورد توجه جدی قرار گیرد. تاکید گسترده سند چشم‌انداز کشور بر مسائل فرهنگی (کریمیان و احمدوند، ۱۳۹۲) و توجه به سیاست‌گذاری فرهنگی در برنامه‌های توسعه وزارت علوم (خواجه‌سروی و همکاران، ۱۳۹۲) بیانگر اهمیت جامعه‌پذیری فرهنگی دانشجویان (ذکایی و اسماعیلی، ۱۳۹۰) در دوران تحصیل است. بر اساس این نتایج پیشنهاد می‌شود مدیران دانشگاه‌ها به ارتقاء سطح کیفی خدمات اجتماعی دانشگاه‌ها که شامل برنامه‌های متناسب تفریحی و ورزشی است و هم‌چنین ارائه برنامه‌های بین‌المللی و ارتقاء سطح کیفی خوابگاه‌ها بپردازند.

همان‌گونه که نتایج نشان داد این بعد تحت تأثیر امکانات و تسهیلات دانشگاه است که در نتیجه افزایش سطح کیفی آن منجر به ارتقاء سطح رضایت دانشجویان از بعد اجتماعی و





آموزشی دانشگاه می‌شود. نتایج حاصل از این مطالعه بیانگر تفاوت معنادار رضایت از کیفیت زندگی دانشجویان بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران و کردستان بود به طوری که در همه ابعاد، رضایت‌مندی دانشجویان دانشگاه کردستان در سطح پایین‌تری قرار داشت. این نکته تأییدی بر مباحث مطروحه پیرامون تمرکز امکانات و تسهیلات در دانشگاه‌های تهران است که از جمله مسائل آموزش عالی ایران نیز می‌باشد. توجه به این نکته حائز اهمیت است که جمعیت دانشجویان ایران در حال رشد است به طوری که سالانه ۱۰ درصد به جمعیت دانشجویان اضافه می‌شود، در حالی که از دیگر سو محدودیت منابع مالی و تخصیص بودجه به دانشگاه‌ها از جمله مهم‌ترین چالش‌های پیش روی آموزش عالی است. در این میان آگاهی از ابعاد پیش‌بینی‌کننده کیفیت زندگی دانشجویان می‌تواند در تدوین سیاست‌های متناسب و عملی در مسیر ارتقاء سطح زندگی دانشجویان مؤثر واقع شود. نقش موثر دانشگاه در پویایی اجتماعی و و بویژه بازتولید سرمایه اجتماعی (جاودانی، ۱۳۹۲) توجه به این مهم را دوچندان مینماید. نتایج حاصل از این مطالعه در سه سطح تئوری، گسترش ادبیات موضوع در ایران و سیاست‌گذاری قابلیت کاربرد دارد. از نظر تئوری یافته‌های این پژوهش تأییدی بر مدل سیرجی و همکاران (۲۰۱۰) در پیش‌بینی کیفیت زندگی دانشجویان است. مقیاس طراحی شده سیرجی و همکاران شامل ۷۰ گزینه بود که بر اساس فضای دانشجویی ایران تعدادی از گزینه‌ها تغییر یافت و یا حذف شد. محقق امیدوار است که در مرحله بعدی با استانداردسازی این مقیاس بر اساس زمینه واقعی دانشگاه‌های ایران بتواند این فرصت را برای دیگر محققان این عرصه فراهم آورد.

بررسی مدل با تحلیل معادله ساختاری نشان داد که بر اساس پیش‌فرض‌های سیرجی و همکاران (۲۰۱۰) کیفیت زندگی کلی فرد تحت تأثیر ابعاد مختلف زندگی است که در بین دانشجویان کیفیت زندگی دانشگاهی نقش ویژه و مؤثری دارد. استفاده از مقیاس پیشنهادی سیرجی و همکاران (۲۰۱۰) در این مطالعه این فرصت را برای مؤسسات آموزش عالی فراهم می‌آورد که کیفیت زندگی دانشجویان را مورد بررسی دقیق و علمی قرار داده و رضایت و نارضایتی در هر بعد را بطور دقیق مورد تحلیل و پایش قرار دهند. تئوری مورد استفاده در این مطالعه، تئوری تسری بوده است. نتایج حاصل از این مطالعه بیانگر تأثیر کیفیت زندگی دانشجویان در رضایت کلی از زندگی و هم‌چنین بیانگر تأیید مبنای تئوری تسری رضایت است. هم‌چنین یافته‌های این مطالعه منجر به گسترش ادبیات موضوع در ایران شده است چرا که بررسی پیشینه پژوهش نشان داد در ایران مطالعه‌ای بر اساس این مقیاس صورت نگرفته است.



و بیشتر مطالعات بر اساس مقیاس‌های محقق ساخته به بررسی رضایت دانشجویان از برخی تسهیلات و یا فعالیت‌های دانشگاه صورت گرفته است. با توجه به این که این مقیاس در سطح وسیعی از کشورهای دنیا مورد بررسی و استانداردسازی قرار گرفته این مطالعه به گسترش ادبیات این موضوع در ایران کمک نموده است. از نظر سیاست‌گذاری نتایج این مطالعه بیانگر تفاوت معنادار رضایت از ابعاد مختلف زندگی دانشگاهی بین دانشجویان دانشگاه‌های کردستان و تهران بود، در حالی که این میزان رضایت در بین دانشجویان کردستان پایین‌تر بود. این نتایج نشان می‌دهد که نظام آموزش عالی باید توجه بیشتری به وضعیت دانشگاه‌های مستقر در استان‌های دیگر داشته باشد، کمبود امکانات و تسهیلات منجر به کاهش کیفیت آموزش، کیفیت زندگی اجتماعی و در نتیجه کاهش کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان می‌شود. همان گونه که نتایج مطالعه نشان داد کیفیت زندگی دانشگاهی تأثیر مستقیم بر کیفیت زندگی کلی دانشجویان دارد و بنابراین پایین بودن رضایت از زندگی دانشگاهی در بین دانشجویان به معنای پایین بودن سطح رضایت از زندگی کلی است که اثرات آن می‌تواند بصورت افسردگی، ناامیدی و اضطراب در بین دانشجویان دیده شود.

اگرچه تحقیق حاضر از لحاظ به کارگیری ابزارها، روش و زیر بنای نظری، دارای نوآوری و ابتکار است، اما با محدودیت‌های خاصی نیز مواجه گردیده است. اول آن که این پژوهش تنها بروی دانشجویان سه دانشگاه انجام شده است؛ بنابراین نمی‌توان در خصوص تعمیم نتایج به کل دانشجویان کشور اظهار نظر کرد. لذا پیشنهاد می‌گردد به دلیل تنوع مؤسسات آموزش عالی در ایران (دانشگاه آزاد، پیام نور، مؤسسات خصوصی و...)، مقیاس سیرجی و همکاران (۲۰۱۰) در بین دانشجویان دانشگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته و تفاوت رضایت دانشجویان در ابعاد مختلف آن مد نظر قرار گیرد. از سوی دیگر با توجه به سیاست بومی‌گزینی دانشجویان که از سال ۸۷ اجرا شده است و هم چنین ایجاد دانشگاه‌های تک‌جنسیتی در آموزش عالی ایران، پیشنهاد می‌شود که مطالعات آتی به بررسی تأثیر سیاست بومی‌گزینی بر سطح کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان پردازد و کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان دانشگاه‌های تک‌جنسیتی و دوجنسیتی مورد مقایسه قرار گیرند.

کتابنامه

- ایرانمنش، مهدی (۱۳۹۲/۴/۹) اعتماد: <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2763514>
- بیات، معصومه و محبوبه بیات (۱۳۹۰)، «بررسی کیفیت زندگی زنان در شهر مشهد»، *اندیشه های راهبری زن و خانواده*، تهران: دبیرخانه نشست اندیشه های راهبردی، صص ۵۷۵ - ۵۸۷.
- جاودانی، حمید (۱۳۹۲): نقش آفرینی دانشگاه در فرایند توسعه پایدار، از رهگذر تولید سرمایه اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره ششم، شماره ۱، صفحات ۵۵ تا ۸۰.
- چناری، راضیه (۱۳۸۹)، *بررسی رابطه میان کیفیت زندگی مرتبط با سلامت، راهبردهای مقابله ای و احساس تنهایی در دانشجویان*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- خدادادی سنگده، جواد (۱۳۹۰)، *اثربخشی روان درمانی وجودی به شیوه گروهی بر افزایش کیفیت زندگی دانشجویان*، دوره کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- خواجه سروی، غلامرضا، علی رضا علی احمدی، علی رضا معینی، مصطفی ذرفولی (۱۳۹۱)، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره پنجم، شماره ۴، صفحات ۲۳ تا ۴۱.
- دهقان نیری، ناهید و محسن ادیب حاج باقری (۱۳۸۵)، «تأثیر تن آرامی بر استرس و کیفیت زندگی دانشجویان مقیم خوابگاه های دانشجویی»، *فیض*، شماره ۲، صص ۵۰ - ۵۷.
- ذکایی محمدسعید و محمدجواد اسماعیلی (۱۳۹۰)، *جوانان و بیگانگی تحصیلی و دانشگاهی*، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره چهارم، شماره ۱۶، صفحات ۵۵ تا ۹۰.
- رفیعی، نرگس (۱۳۸۹)، *ارزیابی پایایی و روایی نسخه فارسی پرسش نامه شناخص کیفیت زندگی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، رفاہ اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- عزیزی ابرقویی، مریم (۱۳۸۹)، *بررسی اثربخشی معنویت درمانی بر میزان امید و کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه اصفهان*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان.
- فتاحی قهنویه، راضیه (۱۳۸۹)، *بررسی اثربخشی گروه درمانی معنوی اسلامی بر علایم افسرده خوئی و کیفیت زندگی دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تهران.
- فتوت، هدی (۱۳۸۹)، *بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی دانشجویان*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- کریمیان، زهرا و علی محمد احمدوند (۱۳۹۲)، *جامعه اطلاعاتی، هویت فرهنگی و رسالت دانشگاه ها*، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره پنجم، شماره ۳، صفحات ۴۷ تا ۷۶.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۲) «گزارش دانشجویان دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی و دانشگاه آزاد اسلامی بر حسب گروه های عمده ی رشته ی تحصیلی و جنس: ۱۳۸۹-۱۳۶۷»
- مسعودی، غزاله (۱۳۸۸)، *بررسی ارتباط میزان سلامت اجتماعی و کیفیت زندگی در دانشجویان دختر ساکن خوابگاه های دانشگاه تهران*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- نیک بخت نصرآبادی، علیرضا؛ سیدرضا مظلوم؛ مریم نثاری و فاطمه گودرزی (۱۳۸۷)، «ارتباط حیطه های نگرانی با کیفیت زندگی دانشجویان»، *پایش*، شماره ۱، صص ۸۵ - ۹۲.



Andrews, F. W., & Withey, S. B. (1976). *Social Indicators of Well-being: America's Perception of Life Quality*. New York: Plenum Press.

Benjamin, M. (1994). The quality of student life: toward a coherent conceptualization. *Social Indicators Research*, 31, 205-264.

Campbell, A., Converse, P. E., & Rogers, W. J. (1976). *The Quality of American Life: Perceptions, Evaluations, and Satisfaction*. New York, NY: Russell Sage Foundation.

Cha, K.-H. (2003). Subjective well-being among college students. *Social Indicators Research*, 62(1), 455-477.

Chow, H. P. H. (2005). Life satisfaction among university students in a Canadian prairie city: A multivariate analysis. *Social Indicators Research*, 70(2), 139-150. DOI 10.1007/s11205-004-7526-0

Cohen, E., Clifton, R. A., & Roberts, L. W. (2001). The cognitive domain of the quality of life of university students: A re-analysis of an instrument. *Social Indicators Research*, 53(1), 63-77.

Diener, E. (1984). Subjective well-being. *Psychological Bulletin*, 75(3), 542-575.

Disch, W. B., Harlow, L. L., Campbell, J. F., & Dougan, T. R. (2000). Student functioning, concerns, and socio-personal well-being. *Social Indicators Research* 51(1), 41-74. DOI 10.1023/A:1007013820439

Makinen, J. A., & Pychyl, T. A. (2001). The differential effects of project stress on life satisfaction. *Social Indicators Research* 53(1), 1-16. DOI 10.1023/A:1007140527056

Ng, S. L. (2005). Subjective residential environment and its implications for quality of life among university students in Hong Kong. *Social Indicators Research*, 71(1), 467-489. DOI 10.1007/s11205-004-8032-0

Sirgy, M. J. (2001). *Handbook of Quality-of-life Research*. Dordrecht, The Netherlands: Kluwer Academic Publishers.

Sirgy, M. J. (2002). *The Psychology of Quality of Life*. Dordrecht, The Netherlands: Kluwer Academic Publishers.

Sirgy, M. J., Grzeskowiak, S., & Rahtz, D. (2007). Quality of College Life (QCL) of Students: Developing and Validating a Measure. *Social Indicators Research*, 80(2), 343-360. DOI 10.1007/s11205-005-5921-9

Sirgy, M. J., Widgery, R. N., Lee, D.-J., & Grace, B. Y. (2010). Developing a measure of community well-being based on perceptions of impact in various life domains. *Social Indicators Research*, 96(2), 295-311. DOI 10.1007/s11205-010-9587-6

Vaez, M., Kristenson, M., & Laflamme, L. (2004). Perceived quality of life and self-rated health among first-year university students. *Social Indicators Research*, 68(2), 221-234.

Yu, G., & Kim, J. H. (2008). Testing the mediating effect of the quality of college life in the student satisfaction and student loyalty relationship. *Applied Research in Quality of Life*, 3(1), 1-21. DOI 10.1007/s11482-008-9044-8.

